

قوامیت مردان بر زنان در خانواده طبق آیه ۳۴ سوره نساء

هاجر فلاحی^۱

چکیده

در این تحقیق که به روش کتابخانه ای نوشته شده در صدد است با روش توصیفی به بررسی قوامیت مردان بر زنان در خانواده از دیدگاه قرآن بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء بپردازد و با بررسی تفاسیر قرآنی و تحلیل دیدگاه های مختلف مفسران تلاش دارد مفهوم دقیق قوامیت را از منظر قرآن و سنت اسلامی روشن کند و تأثیر آن را بر روابط خانوادگی و اجتماعی بررسی نماید. این آیه از جمله آیاتی است که مورد استفاده مخالفین جهت شبهه پراکنی قرار می گیرد. آنان با برداشت نادرست از آیه، ضمن استنباط برتری مرد بر زن و حاکمیت مطلق مرد بر زن، آن را بر بی عدالتی و ظلم خداوند حمل می کنند. یافته های تحقیق نشان می دهد آیه مورد پژوهش با عنایت به قاعده ی سیاق آیات پیشین و پسین آن، منحصرأ مربوط به روابط زن و مرد در خانواده است و جایگاه زوج و زوجه را در خانواده مشخص می سازد و بیانگر حکم مسئولیت و سرپرستی مرد در خانواده و حمایت و حفاظت از آن و تدبیر امور اقتصادی خانواده است و در سایر موارد حق امارت و ولایت بر زن در حقوق وی ندارد. آیه شریفه در مقام بیان برتری مردان بر زنان نیست، بلکه بیان وظیفه و ریاست امور خانواده است. این مقاله با مفهوم شناسی قوامیت درصدد پاسخگویی به موارد مزبور و شبهات پیش رو و ارائه نظر برگزیده شده است. خداوند در این آیه موکداً به مردان دستور می دهد به علت تفاوت های تکوینی و همچنین بیشتر بودن اموالشان، که از تفاوت تشریع سهم الارث در مردان و زنان حایل شده، تکیه گاه و حامی زنان باشد. به این ترتیب علل مذکور در آیه، تغییرناپذیر و دائمی است و در نتیجه، حکم قوامیت نیز تغییرناپذیر، دائمی و کارآمد برای همیشه خواهد بود.

کلید واژگان: قوامیت مرد ، آیه ۳۴ نساء ، قوامون، الرجال

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه تخصصی کوثر

مقدمه

از آن جا که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است. طبیعی است که - مانند یک اجتماع بزرگ - رهبری و سرپرستی واحدی را می طلبد. بنابراین این مسئولیت به جهاتی و به لحاظ خصوصیتی که در مردان وجود دارد نظیر:

۱. غلبه ی قدرت تفکر مرد بر نیروی عاطفه و احساسات او
 ۲. داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر در جهت دفاع از حریم خانواده
 ۳. تعهد مالی در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداخت هزینه های زندگی
- به عهده ی مرد گذاشته شده است. زیرا که سرپرستی و مدیریت مسأله ای اساسی و مهم در جوامع بشری بوده و پیشرفت جامعه در گرو داشتن مدیران کارآمد است. قوامیت مردان و گستره ولایت ایشان در کانون خانواده که قرآن کریم برآن انگشت نهاده است، حاکی از این است که مردان مدیریت و مسئولیت امور اجرایی کانون خانواده را بر عهده دارند. حفاظت از کیان خانواده و چرخش امور آن مستلزم داشتن حسن قیومیت است که با توجه به حکمت الهی اعطای این حق دارای ملاک ها و علت هایی است که در این نوشتار بررسی می شوند. با نگاهی معناشناختی به مولفه های معنایی «قوام» در می یابیم که قلمرو قوامیت کانون خانواده است و رکن تحقق آن معیت و همدلی زن با همسر می باشد.

اما آن چه در قرآن کریم درباره ی حقوق زن و مرد بیان شده است از حقیقت انسانی این دو موجود فارغ از جنسیت آنان حکایت دارد و هر کدام از آن دو یا توجه به جنسیت خود از حقوق متناسبی برخوردارند که این امر اصل تعادل را درعالم آفرینش تبیین می نماید. با تحلیل و تبیین جایگاه قوامیت می توان دریافت که مردان مدیریت مسئولیت های اجرایی و اقتصادی کانون خانواده را بر عهده دارند و زنان مسئولیت تدبیر تربیت و سیاست گذاری این کانون را چرا که این تعادل خالی از همسویی طبیعت و شریعت الهی است.

قرآن کریم قوامیت را تنها در دایره ی عدالت و رضای خدا مجاز می داند و در پیشگاه خدای متعال، تنها ملاک و معیار برتری تقواست، به جنسیت در فرهنگ قرآن قوامیت مرد کوچک ترین زمینه ای را برای تسلط

استبداد و تعدی باقی نمی گذارد. این توهم که آیه‌ی فوق زمینه‌ی تعدی و تسلط مردان بر زنان را باعث می‌شود شاید به جهت عدم تبیین معنای قوام در تحقیقات و پژوهش‌های قرآنی باشد.

ضرورت بحث از این روست که با توجه به برداشت‌های متفاوت از آیه ۳۴ سوره نساء، بررسی دقیق مفهوم قوامیت مردان ضروری است. این تحقیق تلاش دارد تا با تحلیل تفاسیر مختلف و بررسی منابع اسلامی به درک صحیح تری از این مفهوم دست یابد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به رفع شبهات و سوء برداشت‌ها درباره نقش مردان و زنان در خانواده کمک کند.

پیشینه تحقیق با موضوع قوامیت مردان بر زنان مطابق آیه ۳۴ سوره نساء بر بحث‌های تفسیری و فقهی پیرامون این آیه متمرکز است. این بحث‌ها شامل دیدگاه‌های گوناگون در مورد معنا و مفهوم قوامیت و تأثیر آن بر جایگاه زن و مرد در خانواده و جامعه است.

برخی از تحقیق‌هایی که پیرامون این موضوع انجام گرفته‌اند و در پژوهش حاضر از آن استفاده نمودیم عبارتند از:

۱. بازخوانی قرآنی «مسئله قوامیت مردان بر زنان» در آیه ۳۴ سوره نساء نوشته غلامرضا رئیس‌یان، مرجانه فتحی طریقه، عباس اسماعیلی زاده؛ این مقاله به بررسی تفاسیر مختلف آیه ۳۴ سوره نساء پرداخته و نشان داده است که قوامیت مردان بر زنان به معنای برتری جنسیتی نیست، بلکه به نقش حمایتی و مدیریتی مردان در خانواده اشاره دارد. نویسندگان مقاله تأکید دارند که علل مذکور در آیه تغییر ناپذیر و دائمی هستند و در نتیجه حکم قوامیت دائمی و کارآمد خواهد بود. این مقاله تحلیل تفضیلی و گسترده‌ای دارد که شامل مباحث عمیق فقهی و قرآنی است و لذا می‌توان گفت که بیشتر جنبه تخصصی و فقهی دارد، از این رو برای خوانندگان آشنا با مباحث قرآنی و تفسیری مناسب‌تر است، در حالی که مقاله حاضر به طور خلاصه اما جامع به نکات قوامیت پرداخته و دیدگاه‌های مختلف را در یک نگاه ارائه داده است به گونه‌ای که برای طیف گسترده‌ای از جمله مخاطبان غیر متخصص هم قابل درک است.

۲. بررسی قیومیت مردان نسبت به زنان پیرامون آیه ۳۴ سوره نساء نوشته امین ایرانشاهی؛ مقاله یک تحلیل جامع از مفهوم قوامیت مردان بر زنان در قرآن ارائه می‌دهد. این مقاله در دومین کنفرانس بین

المللی فقه، حقوق و پژوهش دینی منتشر شده و به بررسی تفاسیر مختلف این آیه در صد سال اخیر پرداخته است. نویسندگان در این مقاله بر این باور است که قوامیت به معنای سلطه و زورگویی نیست، بلکه به معنای «مدیریت و پشتیبانی» است. او معتقد است که این آیه به مردان وظیفه تفویض می کند تا به زنان در امر خانواده، تأمین معاش و تربیت فرزندان کمک کند. این مقاله نشان می دهد که برداشت های مختلف از مفهوم قوامیت چگونه بر نقش زنان در جامعه و حقوق آنان تأثیر گذاشته است. نویسندگان در این مقاله تأکید دارد که قوامیت مردان به معنای مسوولیت و حمایت است، نه برتری مطلق و بر خلاف مقاله حاضر بیشتر بر جنبه های حقوقی و فقهی تمرکز دارد و بر آن کمتر به تأثیرات اجتماعی پرداخته است، همچنین مقاله ساختاری تخصصی و علمی دارد و برای متخصصان دینی و اسلامی مناسب تر و ملموس تر است در حالی که مقاله حاضر با ساختار توصیفی خود قابل درک برای عموم می باشد.

۳. نگاهی به آیه ۳۴ سوره نساء و مسئله قوامیت مردان بر زنان؛ این مقاله نوشته حجت الاسلام و المسلمین احمد قدسی است. در این مقاله نویسندگان معتقد است که قوامیت مردان بر زنان بر اساس برتری تکوینی مردان شکل گرفته و این برتری، نعمتی برای زنان محسوب می شود. این مقاله تأکید دارد که قوامیت مردان یک مسوولیت الهی است و نباید به عنوان امتیاز اجتماعی محسوب شود. نویسندگان بیان می کنند که اطاعت زنان از مردان همانند اطاعت فرزند از والدین و سجده فرشتگان بر آدم است. زیرا خداوند به آنان امر کرده است. نویسندگان معتقد است که تصدیگری زنان در جامعه نباید به گونه ای باشد که قوامیت آنان بر مردان تلقی شود، زیرا این امر مخالف مفهوم آیه است. این مقاله همانند دو مقاله دیگر بر جنبه های حقوقی و فقهی تمرکز دلرد و کمتر به تأثیرات اجتماعی پرداخته است در حالی که مقاله حاضر به تأثیرات اجتماعی قوامیت مردان بر زنان پرداخته و نقش آن در جوامع اسلامی را بررسی کرده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی قوام

واژه «قوام» در آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» همان معنای «قیم» را دارد؛ قوام، قیوم، قیام و قیوم از ریشه «قام- یقوم- قیاماً» گرفته شده اند و به یک معنی می باشند. قیام و قیوم به معنای «القَائِمُ الحَافِظُ لِكُلِّ شَيْءٍ» از اسماء احسان الهی می باشند (قیوم در قرآن به این معنا آمده و قیام در روایات). قیم نیز به معنای سرپرست، نفیس و وصی می باشد و قوام برای مبالغه در همین معنی به کار می رود. باید توجه کرد اگرچه برخی از اهل لغت مانند مصطفوی در «التحقیق» و جمعی از مفسران مثل علامه طباطبایی، بلاغی، طبرسی، ابن السعود. آلوسی و اندلسی به مبالغه بودن قوام تصریح کرده اند، مترجمین قرآن، آن را به همان معنای قیم یعنی، مطلق سرپرست گرفته اند.

قوام از ماده «قوم» است که در لغت به معنای اشراف بر امر یا مال ولایت امر^۱ حمایت و سرپرستی^۲، محافظت کردن و رعایت مصالح فرد، عزم و اراده بر انجام یک کار است.^۳ بطور کلی این معانی به حمایت و سرپرستی باز می گردد؛ زیرا طبعاً سرپرست مصالح افراد را رعایت می کند و بر آنها اشراف دارد. قوام در اصطلاح کسی است که خودش به تنهایی و بدون تکیه بر دیگری در رسیدگی به امور دیگران اقدام می کند و به تدبیر امور زن و برآوردن نیازهای او اشراف دارد.^۴ جامع این معانی تصدی امر و عهده دار شدن کاری است.

همانطور که گفته شد، قوام صیغه مبالغه است. به معنای شخصی که با دقت و مراقبت بسیار از شیء مورد نظر خود محافظت کند و واژه «قوامون النساء» از همین معنی است. زیرا مردان به تدبیر امور زنان و خانواده قیام

۱. مصطفوی، ۱۹۸۹، ص. ۷۹۸

۲. قلعه جی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۳۷۲

۳. راغب، ۱۴۱۲، ص. ۶۹۰

۴. مصطفوی سال ۱۳۸۲

آری! همین نکته است که پیوسته ناله اولیا را بلند، اشکهای آنان را سرازیر، زانوهایشان را لرزان و دلهایشان را خائف نگه می دارد. چنانکه توجه به همین نکته است که غرورها را می شکنند و مانع عجب و اعجاب نفسانی می شود و سبب می گردد که آن ولی معصوم خدا. هنگام تلاوت آیه «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ» اشک ریزان بگوید: «وَاللّٰهُ ذَهَبَتْ الْأُمَانِي عِنْدَ هَذِهِ الْآيَةِ: به خدا قسم با وجود این آیه همه آرزوها مثل ورود به بهشت و رسیدن به رضوان الهی و مدارج کمال بر یاد رفته است»^۱

وقتی چنین راه روشنی برای دفع برتری طلبی ها، استکبار و تفاخر مردها وجود دارد، چرا اصل فضیلت های روحی و معنوی آنان را منکر شویم؟! وقتی می توان به مردان گفت که «این تفصیل ذاتی، شخصیتی و روحی ملازمه ای با تفضیل و تکریم عنداللهی ندارد؛ زیرا آن یکی را با ترازوی کسب اختیاری و متناسب با داده ها و با محک تقوا می سنجند، از این رو چه بسا زنان زبر دستی که بر مردان رئیس مدیر و سرپرست برتری عنداللهی دارند و نزد خدا گرامی ترند»، چه نیازی است که اصل برتری و فضیلت ذاتی را منکر شویم و با صریح آیات و روایات، مخالفت کنیم!

به ویژه وقتی می بینیم که در روایات های معتبری مطاع بودن مرد، از سعادت های مرد و مطیع بودن زن از کمالات زن صالحه است؛ در حالی که عکس آن را در روایات مشاهده نمی کنیم.

۲. تعبیر به «بما فضل الله»؛ یعنی استناد تفضیل مرد به خدای سبحان، هماهنگی نظام حقوقی اسلام با نظام تکوین را نشان می دهد و به تعبیر بلاغی این استناد، دلیل بر این است که این برتری از باب تحکّم نیست، بلکه بر حسب ناموس خلقت و فطرت و شریعت است و از باب استحقاق و فضیلتی است که خدای حکیم به مردان داده است،^۲ به بیان دیگر با حکمت آفرینش و نظام زیبای هستی (که حتی مطابق نقل بلاغی از دانشمندان علم تشریح، قلب و مغز مردان را نیز بزرگتر قرار داده است) هماهنگ است. از این رو، مخالفت با آن، مخالفت با حکمت خداوندی و ناموس خلقت است.

۳. از این آیه و آیه پس از آن (آیه ۳۵ سوره نساء) که درباره از همگسستن خانواده سخن می گوید، به دست می آید که سلامت خانواده ها که بیشترین نقش را در سلامت جامعه دارد، در گرو قوامیت و تأمین هزینه از جانب مرد و عدم نشوز و اطاعت و حفظ اسرار از جانب زن می باشد.

۱. سید بن طاووس، سعید السعود، انتشارات دار الذخائر، قم، ص. ۸۷

۲. آلاء الرحمن، همان، ص. ۱۰۵

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد که:

۱. قرآن کریم فضیلت و برتری ذاتی مردان بر زنان را به روشنی بیان کرده و آن را مبنای سرپرستی، مدیریت و قیومیت مردان قرارداده است. در روایات فراوانی نیز این برتری ها به طور شفاف گوشزد شده است.
۲. قوامیت مردان بر زنان به معنای برتری جنسیتی نیست، بلکه به نقش حمایتی و مدیریتی مردان اشاره دارد.
۳. قوامیت مردان یک مسؤولیت است، نه یک امتیاز و مردان باید با عدالت، محبت و رعایت حقوق زنان مسؤولیت را انجام دهند.
۴. با توجه به اینکه در آیه مورد بحث موضوع اصلی، مطلق «الرجال» و «النساء» است و حکم قوامیت نیز به نحو مطلق بیان شده، مقتضای تناسب و هماهنگی این حکم و موضوع، قوامیت در تمام عرصه هایی است که نیاز به مدیریت و سرپرستی دارد و اختصاص به مدیریت در خانواده و مسائل زنashویی ندارد، گر چه در ادامه آیه، آن حکم کلی و فراگیر، در این مورد خاص تطبیق شده است
۵. این قوامیت، رخصت نیست تا قابل واگذاری به زنان باشد، بلکه حکمی الزامی و عزیمت است؛ یعنی مردان، مکلفاند که مدیریت و سرپرستی زندگی را در دست گیرند و زنان نیز مکلفاند که اطاعت کنند و فرمان ببرند.
۶. وجود بعضی از موارد استثنایی و ظهور نوادری از زنان در میادین علم، دین، فلسفه و سیاست، نه فقط آن قانون کلی و عام را نقض نمی کند، بلکه مؤید آن است؛ زیرا در تدوین قوانین کلی، نوع افراد در نظر گرفته می شود و موارد شاذ و نادر دخالت ندارد.
۷. این فضیلت و برتری تکوینی و ذاتی همانند برتری قلب بر معده و برتری سر بر دست است و نعمتی برای زنان و سبب کمال و رشد آنان است. مفضول و زیردست بودن زنان، عیب و عاری نیست، چنان- که فضیلت قلب و سر، عیب و عاری برای دست و معده محسوب نمی شود.

۸. فضیلت، وقتی ذاتی و تکوینی شد و اختیار و اراده انسان در تحقق آن نقشی نداشت، تفاخری را برای صاحب فضیلت به وجود نمی‌آورد؛ چون صاحب فضیلت حقیقی، او نیست، بلکه خدایی است که آن را به او هدیه کرده است. به بیان دیگر، فضیلت ذاتی هیچ ملازمه‌ای با ارزش و کرامت نزد خدا ندارد، بلکه زمانی ارزش آفرین است که به تناسب این توان و استعداد ذاتی، تلاش بیشتر و خالصانه‌تری نیز بروز و ظهور یابد و این بام بیشتر و گسترده‌تر، برف بیشتری را نیز در دل خویش جای دهد و جذب کند که تعبیر دیگری از آیه ۱۷ سوره حجرات «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» به اضافه آیه ۳۹ سوره نجم «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» بر همین اساس، چه بسا زنان مرئوس و به اضافه زیردستی که بر مردان رئیس و سرپرست، برتری عنداللهی دارند و نزد خداوند گرامی‌ترند.

۹. به صراحت می‌توان گفت که مستفاد از آیات و روایات این است که مردان، رئیس، مدیر، سرپرست، مقنوت و مطاعند و زنان مرئوس، فرمانبردار، قانت و مطیع اند، ولی چون خداوند زنان را مأمور به اطاعت کرده است، مطیع بودن آنان در مقابل مردان، همانند مطیع بودن فرشتگان در مقابل حضرت آدم (علیه السلام) است که به مطیع بودن در مقابل خدا برمی‌گردد و بلکه عین آن است. ازاین‌رو، عصیان، سرکشی و استکبار در این رابطه، به عصیان و استکبار در مقابل خدا برمی‌گردد و مجازات و عقوبت در پی خواهد داشت بر همین اساس دایره اطاعت زنان، شامل موارد گناه نمی‌شود و اگر شوهری همسرش را به سفری حرام و یا ورود در مجلسی حرام امر کند، اطاعت از او حرام است.

۱۰. از آنچه گذشت به دست آمد که برای زنان، هر گونه تصدیگری، مسئولیت و ولایتی که در نگاه عرف و عقلاً، قیمومت، سرپرستی و قوامیتی نسبت به مردان محسوب می‌شود، جایز نیست و با صریح یا ظاهر آیه محل بحث مخالفت دارد، حتی اگر با رأی‌گیری و طیب خاطر مردان همراه باشد؛ زیرا چنانکه گذشت قوامیت مردان، عزیمت و حکم است و رخصت و حق نیست تا با گذشت مردان و یا رضایت و طیب خاطر آنان قابل اسقاط و یا انتقال باشد.

★ قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الكتاب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. بلاغی، محمد جواد. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. ج: ۲، قم: مکتبه الوجدانی، ۱۳۹۵ ش.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. مجموعه محشی قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی). تهران: گنج دانش
۶. جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. ق: اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله. زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء، چ ۲، ۱۳۸۹ ش.
۸. حسینی طهرانی، محمد حسین. رساله بدیعه. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، چ ۲، ۱۴۱۸ ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالقلم - دارالشامیة - چاپ اول - ۱۴۱۲ ق.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزی و عینون الاقاول فی وجوه التأویل. بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. طوسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الدارالمنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی
۱۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر؛ مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

۱۶.، بی تا. التبیان فی تفسیر القرآن. ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. ج ۷، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. فضل الله، سید محمدحسین. من وحی القرآن. ج ۷، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. تفسیر الصافی. تهران: صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. قرشی بنایی، علی اکبر. احسن الحدیث. ج ۲، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. صادقی تهرانی، محمد. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: خانواده، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی. حقوق العامه و الخاصه فی المجتمع. التقریب، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. مصطفوی فرد، حامد و حمید ایماندار، رویکرد اندیشوران شیعه به مفهوم قوامیت مرد در آیه ۳۴ سوره نساء، مجله آموزه های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۲۵. مطهری، مرتضی، یادداشت های استاد شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۲۷. مغنیه، محمدجواد. التفسیر المبین. قم: دار الکتب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۵ ق.
۲۸. مغنیه، محمدجواد. التفسیر الکاشف. ج ۲، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۲۹. منتظری، حسینعلی. دراسات فی الولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. مهریزی، مهدی. شخصیت و حقوق زن در اسلامی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
۳۱. نجفی خمینی، محمد جواد. تفسیر آسان. تهران: الاسلامیه
۳۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر. تفسیر راهنما. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.